

نیروی دریایی راهبردی و توسعه مکران

ناوسروان عرفان آهنگری از ناوگان شمال و منطقه چهارم نداجا

ناوگان شمال و منطقه چهارم نداجا در بندر انزلی

چکیده

سرزمین مکران نام ناحیه اصیل آریایی‌نشین در جنوب شرقی ایران زمین بوده که با قدمتی بیش از سه هزار سال می‌باشد. نوشتن اسم مکران در کتب تاریخی قدیمی گواه بزرگی بر قدمت آن می‌باشد. این سرزمین یکی از بزرگترین ممالک در طول تاریخ بوده که مرزهای آن از حدودات هرمزگان و کرمان امروزی گرفته تا نزدیک شهر کراچی پاکستان امتداد دارد. فقدان تأسیسات کافی، عدم تجهیز تأسیسات بندری متناسب با قابلیت‌های توسعه منطقه، عدم تناسب شبکه‌های زیربنایی و به ویژه ظرفیت شبکه حمل و نقل متناسب با الزامات توسعه و نظیر آن‌ها از اصلی‌ترین چالش‌هایی است که به رغم وجود سواحل مکران دارای موقعیت حساس و استراتژیک، با قرار گرفتن در جوار آب‌های آزاد بین‌المللی، در مسیر کریدورهای بین‌المللی شمال و جنوب و دسترسی به بازارهای مستعد منطقه و برخورداری از منابع عظیم نفت و گاز و صنایع وابسته و منبع غنی دریایی هنوز توسعه نیافته است. تقویت و تجهیز اسکله‌ها و بنادر صیادی، حفاظت و بازسازی ذخایر، توسعه صید و پرورش آبزیان، جهت ارتقای سهم صنایع شیلاتی در این منطقه و گسترش صید صنعتی در آب‌های دور متناسب با توان محیطی، توسعه و تجهیز ارتباطات دریایی، تقویت مبادی ورودی و خروجی دریایی و توسعه زیرساخت‌های بازرگانی به منظور استفاده مطلوب‌تر از ظرفیت‌های موجود جهت پاسخ‌گویی به تقاضای رو به رشد ترانزیت کالا و از همه مهمتر برقراری امنیت، از عواملی است که، در سال تولید ملی، حمایت از کار و سرمایه ایرانی عزم ملی برای توسعه و آبادانی منطقه مکران را می‌طلبد.

دریای مکران، به لحاظ راهبردی بسیار حائز اهمیت است، چرا که از طریق این دریا است که اتصال خلیج فارس و اقیانوس هند امکان‌پذیر می‌شود. افزون بر این، نقش راهبردی تنگه‌ی هرمز به‌عنوان گلوگاه انرژی جهان بر هیچکس پوشیده نیست. به همین دلیل امروز نیروی دریایی در سواحل بزرگ مکران در جنوب توانسته است یک باور ملی ایجاد کند، یعنی آبادانی و زیرساخت‌های خوبی در مناطق جنوبی کشور که در دوره طاغوت به فراموشی سپرده شده بود و همواره آن منطقه را از دست رفته می‌انگاشتند، بوجود آورده است. هر جا که امنیت برقرار شده باشد، توسعه و پیشرفت هم در پی آن شکل می‌گیرد از این رو برقراری امنیت در حوزه دریایی مکران، توسعه و پیشرفت را برای کشور به همراه دارد. مقام معظم رهبری نیز بر این نکته تأکید دارد که تاکنون نسبت به سواحل و دریای عمان غفلت کرده‌ایم و باید به دنبال استفاده از منابع دریای عمان باشیم چرا که این دریا یک گنج است و پشتوانه خلیج فارس را دریای عمان اعلام فرموده‌اند. این پژوهش سعی دارد که به تاثیر ایجاد پایگاه‌های دریایی در حوزه دریای مکران بپردازد.

واژه های کلیدی: نیروی دریایی راهبردی، اهمیت دریا، فرماندهی معظم کل قوا، فرمانده نداجا، بازسازی، عمق دفاعی، امنیت، پیش بینی آینده، توصیه ها

۱. مقدمه

قدرت دریایی ارکان متعددی دارد ولی قطعاً مهم‌ترین رکن آن بعد نظامی می‌باشد که با برافراشتن و نمایش پرچم کشور در اقصی نقاط جهان به عنوان سفیر، نماینده و مظهر اراده ملی و پشتوانه‌ای آشکار و در عین حال صلح‌آمیز در حمایت از دیپلماسی و سیاست دولت متبوع خود عمل نموده که در صورت نیاز و ضرورت نیز توانایی اعمال قدرت در راستای به دست آوردن و حفظ منافع ملی در عرصه گسترده دریاها را خواهد داشت. تاریخ معاصر ما گواه معتبری بر اهمیت وجود و حضور قدرت نظامی دریایی برای کشور می‌باشد چه آن موقع که به دلیل فقدان هرگونه قوای دریایی مؤثر بنادر و سواحل و جزایر کشورمان عرصه تاخت و تاز بیگانگان، به خصوص انگلیسی‌ها قرار گرفت و چه در هنگام هشت سال دفاع مقدس که وجود یک نیروی دریایی قدرتمند و با انگیزه و با مهارت علاوه بر سرکوب و نابودی نیروی دریایی دشمن باعث محروم کردن آنها از حضور در دریاها و صدور نفت و تجارت دریایی و تأمین اسلحه و تدارکات از طریق دریا شد و علاوه بر آن با حفظ و برقراری خطوط مواصلاتی خودی در طی نبرد هشت ساله حتی یک روز صادرات نفت کشور و واردات مایحتاج کشور که به شدت به دریا وابسته بود قطع نگردد که به این ترتیب به جرأت می‌توان گفت امکان و توان کشور برای اداره و ادامه جنگ تا پیروزی به شدت مرهون عملیات و فعالیت‌های نیروی دریایی ارتش ج.ا.ا می‌باشد.

هم‌اکنون نیز نیاز به نیروی دریایی مقتدر نه تنها کاهش نیافته بلکه با توجه به تغییر و تحولات جهانی در بیش از دو دهه پس از جنگ و اهمیت رو به افزون مناطق دریای خزر، خلیج فارس، دریای مکران و اقیانوس هند و نیز تحولات تکنولوژیک و تغییر ماهیت نبردهای دریایی این بخش از قدرت نظامی ج.ا.ا نیاز به توجهی فزون‌تر و یک دگردیسی قابل توجه برای تبدیل شدن از یک قدرت منطقه‌ای به یک قدرت فرماندهی دارد. زیرا دیگر دشمن یک کشور منطقه‌ای متوسط همانند عراق و صحنه عملیات فقط دریای نیمه بسته خلیج فارس نیست، بلکه منطقه‌ای به وسعت دریای جنوب و اقیانوس هند

می‌باشد. علاوه بر این رشد و توسعه اقتصادی و سیاسی ج.ا.ا و افزایش مبادلات آن و نیز چالش‌های جهانی همانند حفاظت از محیط‌زیست در عرصه دریاها، قاچاق مواد مخدر و پدیده دزدان دریایی این نیاز را به وجود آورده است که کشور ما در عرصه دریایی در محدوده بسیار پهناورتری نسبت به قبل عمل نماید تا علاوه بر حفاظت از منافع خود با مشارکت در مواجهه و حل مشکلات توانایی و ظرفیت خود را در ایفای نقش به عنوان یک قدرت جهانی و مسئول به نمایش گذاشته و بر وجهه ملی، اقتدار و عزت خود در مجامع بین‌المللی بیفزاید.

۱- نیروی دریایی راهبردی

اولین گام برای کسب قدرت جهانی برای هر کشوری، داشتن یک نیروی دریایی قوی و کنترل دریاهاست و یکی از مولفه‌های قدرت ملی، قدرت نظامی است و نیروی دریایی یکی از ارکان قدرت نظامی به شمار می‌آید. نیروی دریایی راهبردی، نیرویی است که حتی در زمان صلح و بدون درگیری نظامی با کشور تهدیدکننده منافع ملی، سعی در اشاعه و گسترش تسلط خود بر وی و رفع هرگونه تهدیدی در این خصوص دارد. از همین رو، ماموریت نیروی دریایی ارتش جمهوری اسلامی ایران پس از تبیین آن به‌عنوان یک نیروی راهبردی و همچنین از آنجا که علاوه بر تامین اهداف نظامی (منافع ملی)، مسئولیت بسیاری از مسائل که حوزه‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و تبلیغاتی در صحنه‌های داخلی و خارجی به این نیرو واگذار شد، بسیار دشوارتر و حساس‌تر از گذشته شده است.

نیروی دریایی راهبردی به نیروی دریایی‌ای اطلاق می‌شود که قادر است، در محدوده آب‌های عمیق اقیانوسی عملیات انجام دهد به‌گونه‌ای که بتواند به تنهایی خود را از گزند تهدیدهای سطحی، زیرسطحی و هوایی حفظ کند. همچنین محدودیتی برای اجرای عملیات در عمق (عملیات در دور دست) نداشته باشد و یا به تعبیری ساده‌تر، نیروی دریایی راهبردی نیرویی است که از منافع ملی کشور در منطقه حیاتی یا حساس (دریایی) صیانت کند.

اعزام ۲۲ ناوگروه به خلیج عدن برای حفاظت از کشتی‌های ایرانی در مقابل تهدید دزدان دریایی را می‌توان نقطه درخشان کارنامه فعالیت‌های نیروی دریایی راهبردی دانست. اخبار و اطلاعات پیرامون این ناوگروه‌ها همواره مورد توجه رسانه‌های مختلف در داخل و خارج قرار گرفته و درباره این ماموریت نیروی دریایی تحلیل‌های مختلفی ارائه می‌شود. ایران تاکنون بیش از هزار کشتی را نیز در خلیج عدن اسکورت کرده که بیشتر این کشتی‌ها ایرانی بوده است.

۲- اهمیت دریا با نیروی دریایی راهبردی

طول سواحل جمهوری اسلامی ایران در جنوب کشور قریب ۲۰۲۵ کیلومتر از دهانه‌ی خلیج فارس تا بندر گواتر است که این ساحل طولانی، دارای ویژگی‌های متنوع جغرافیایی، امکان اجرای سناریوهای مختلف را به کشورمان می‌دهد که باید از این منابع و امکانات استفاده بهینه را برد. در دنیای امروز، دریا برای ملت‌ها عامل مهم زندگی است و هیچ کشور دارای ساحلی نیست که منافی در دریا نداشته باشد. در حدود ۳۰ درصد از مرزهای کشورمان را مرزهای آبی تشکیل می‌دهند و در حدود ۹۳ درصد صادرات و واردات از مرزهای آبی کشور انجام می‌شود و صرفاً ۷٪ از صادرات و واردات کشور از طریق مرز زمینی صورت می‌گیرد و این موضوع فرصت خوبی برای بهره‌برداری از دریاها برای کشورمان را فراهم کرده است. امروزه حتی کشورهایی که در خشکی محصور شده‌اند، با آگاهی از ظرفیت‌های گسترده موجود در عرصه دریاها و فرصت‌هایی که برای رشد و توسعه از طریق تجارت دریایی در همه ابعاد آن فراهم آورده است، منافع خود را در دریا جست و جو می‌کنند. بهره‌مندی از منافع خدادادی از دریاها به ویژه دریاهای آزاد جهان که دو سوم سطح کره زمین را پوشانده، برای دولت‌ها و ملت‌ها حایز اهمیت است که دریا به عنوان فرصتی ارزشمند برای رشد و توسعه، به عرصه رقابت بازیگران تبدیل شده است. به این ترتیب جمهوری اسلامی ایران کشوری دریایی است و دریا نقش برجسته‌ای در رشد و توسعه ملی ایفا می‌کند.

همچنین نیروی دریایی از دیرباز به‌عنوان یکی از عوامل مهم نظامی و اقتصادی برای حفاظت از دریا، مورد توجه بوده است؛ به‌ویژه آن‌که در سده‌های اخیر، ابرقدرت‌ها به‌منظور حفظ سلطه خود بر جهان، سعی کرده‌اند تا با ایجاد یک نیروی دریایی قوی، امور نظامی و اقتصادی جهان را تحت سیطره خود قرار دهند. اهمیت دریاها تا بدانجا برای ما مطرح است که فرماندهی معظم کل قوا، نیروی دریایی ارتش جمهوری اسلامی ایران را به عنوان یک نیروی راهبردی معرفی می‌کنند. برای کشوری دریایی مانند ایران که منافع، اقتصاد و امنیت آن با دریاها پیوند خورده است، برخورداری از راهبرد دریایی مناسب، حیاتی و الزامی است.

۳- فرماندهی معظم کل قوا و نیروی دریایی راهبردی

دریا برای یک کشور، یک فرصت بزرگ برای پیشرفت و حفظ منافع ملی است. فواید دریا برای یک کشور و یک ملت، فواید راهبردی است؛ فواید بزرگ و کلان است. این سخنان فرماندهی معظم کل قوا در بازدید از منطقه یکم نداجا، حکایت از اهمیت افزودن بر قبل ظرفیت استراتژیک دریا به ویژه آب‌های آزاد در پیشرفت، توسعه و البته توان دفاعی کشور داشت. آنچه در سخنان مقام معظم رهبری نهفته است، بیانگر اهمیت رقابت نظامی و البته صنعتی کشورها در بهره‌گیری از ظرفیت راهبردی دریاست. در ادبیات نظامی نیروی دریایی که بتواند ضمن حضور در سطح دریاها در عمق اقیانوس‌ها نیز به‌طور مستمر حضور و دریاوردی داشته‌باشد و مأموریت خود را به خوبی انجام دهد، یک نیروی دریایی راهبردی است. در واقع نیروی دریایی راهبردی باید از نیروی ساحلی فراتر و توان حضور در آب‌های آزاد و عمیق را داشته باشد.

به سبب بی توجهی به حوزه دریای مکران و وجود ثروت عظیم در آن منطقه فرماندهی معظم کل قوا را بر این اندیشه فرو برد که برای حفظ امنیت و اقتدار در آب‌های دریای عمان (مکران) بایستی یک نیروی دریایی قوی و مجهز تاسیس گردد.

در پی رهنمودهای فرماندهی معظم کل قوا، با ابلاغ طرح ولایت در تاریخ ۱۳۸۸/۲/۲ و به‌ویژه پس از تبیین نداجا به‌عنوان یک نیروی دریایی راهبردی توسط معظم له در ۱۳۸۸/۷/۱۴، منطقه مأموریت نداجا تغییر کرده و شامل محدوده‌ای وسیع‌تر شده است. منطقه‌ای که ابتدا شامل ۳۰۶ هزار کیلومتر مربع از آب‌های خلیج فارس و دریای مکران بود، از سواحل جنوب شرقی کشور تا شمال اقیانوس هند و مدار ۱۰ درجه عرض شمالی جغرافیایی گسترش یافت و منطقه‌ای به وسعت ۲ میلیون و ۷۰ هزار کیلومترمربع، از دریای مکران تا خلیج عدن و بخشی از اقیانوس هند را شامل شد و براساس مأموریت‌های ابلاغی حتی (به‌صورت موردی) تا دریای مدیترانه نیز گسترش یافته است. منطقه‌ای که از نظر ژئوپلیتیکی، بازیگران صحنه، رویدادهای اثرگذار در ابعاد جهانی، کاملاً متفاوت با منطقه مأموریتی قبلی (خلیج فارس) است و نداجا با توجه به تبدیل شدن به یک نیروی راهبردی علاوه بر درگیر بودن در مسائل نظامی با مسائل اقتصادی، سیاسی، تبلیغاتی نیز روبه‌رو شد و لازم بود که به‌عنوان نماینده‌ای شایسته، موجبات ارتقای جایگاه نظام مقدس جمهوری اسلامی را در صحنه بین‌الملل فراهم آورد. زیرا امروز دیگر دشمن یک کشور منطقه‌ای متوسط همانند عراق و صحنه عملیات فقط دریای نیمه بسته خلیج فارس نیست، بلکه منطقه‌ای به وسعت دریای جنوب و اقیانوس هند است. با این حال فرماندهی معظم کل قوا، کسب برتری منطقه‌ای و موفقیت‌های نظامی ایران را در گرو پیشرفت و توسعه نیروی دریایی می‌داند.

راهبرد تجدید سازمان بر دو عامل کلیدی تمرکز یافته است: اول اینکه، جمهوری اسلامی ایران طرح نوسازی را با هدف توسعه و ارتقای توان ساخت تجهیزات نظامی در داخل آغاز کرد. دوم آنکه، مسئولیت‌ها و مأموریت‌های راهبردی نیروی دریایی ارتش را به طور شفاف بازتعریف نمود. مسئولیت نیروی دریایی ارتش جمهوری اسلامی خارج از منطقه خلیج فارس را شامل می‌گردد تا قدرت دریایی ایران در ماورای سواحل به رخ جهانیان کشیده شود.

جمهوری اسلامی ایران به دنبال یافتن راه نفوذی به درون مثلث دریایی راهبردی است که از باب‌المنذب شروع شده تا تنگه هرمز و حتی دریای هند و تنگه مالاکا نیز ادامه می‌یابد. جمهوری اسلامی ایران مسلماً آینده خود را در گرو کسب توانایی لازم برای افزایش قدرت دریایی در فراسوی مرزهای همسایگان خود می‌بیند.

راهبرد دریایی جمهوری اسلامی ایران طراحان نظامی و نیروی دریایی کشورهای منطقه را مجبور می‌سازد تا مبانی برنامه‌ریزی خود را در رابطه با قابلیت‌های تاکتیکی و راهبردی ج.ا.ا. مجدداً بررسی نموده و در نهایت راهبرد نظامی خود را با ما انطباق دهند.

ساختار جدید به یگان‌های حرفه‌ای نیروی دریایی ارتش اجازه می‌دهد تا از تجهیزات اقیانوس‌پیما در خارج از مناطق محدود خلیج فارس بهره گرفته و به آب‌های منطقه‌ای نیز دسترسی یابند. این طرح بر پیچیدگی و عمق پدافند دریایی ایران می‌افزاید بطوریکه نیروی دریایی ارتش توانسته است از دریای مکران برای استقرار سامانه‌های پدافند موشک‌های سطحی، زیرسطحی و کروز در امتداد سواحل جنوب شرقی تنگه هرمز استفاده نماید.

۴- چند سفارش فرماندهی معظم کل قوا به نیروی دریایی راهبردی

شما رزمندگان ارتش جمهوری اسلامی ایران در این امر (پاسداری از دریا و حقوق دریایی ملت ایران) مسوولیت عمده را به عهده دارید ؛ بنابراین باید روز به روز قوی تر و کارآمدتر شوید .

- تکیه بیشتر باید بر خود ، بر ابتکار خود ، بر ثروت خود ، بر قدرت دستان پرهنر خود و مغزهای فعال و پر ابتکار خود باشد و در همه بخش ها این را یک دستور کلی به حساب بیاورید و بر اساس آن برنامه ریزی کنید .

- مسالهی سازندگی و نگهداری و بازسازی ابزارها و شناورها ، یکی از آن نکات بسیار مهم است . من لازم می دانم که از مسولان کارخانجات نیروی دریایی ارتش جمهوری اسلامی ایران، بخصوص از آن دستها و دلهای گرم و با ایمانی که نسبت به بازسازی ناوشکن سبلان ، تلاش شبانه روزی و موفق کردند تشکر کنم . این تلاش ها را افزایش بدهید و مضاف کنید . از این امکانات ، به نفع این بزرگ و شجاع و این کشور عزیز و نظام مقدس جمهوری اسلامی ، حداکثر استفاده را بکنند .
- امروز ما بطور آشکار و اعلام شده ، جنگی علیه خودمان سراغ نداریم ؛ اما تهدید هایی هست که هوشیاری و آمادگی ما را ایجاب می کند .
- خدا را فراموش نکنید . دل را با منبع غیبی قدرت ، یعنی سرچشمه فیاض وجود ، یعنی خدای بزرگ مرتبط و متصل نگهدارید .
- آمادگی های نیروهای مسلح حایز کمال اهمیت است . در این منطقه ، نیروهای دریایی ما این هماهنگی و همکاری و همدلی را روز به روز افزایش بدهند .
- نیروی دریایی ارتش جمهوری اسلامی ایران ، با تجهیزات متنوع و سنگین ، کارهای محوری را بر عهده دارد و باید با گردآوری همه امکانات و حفظ آنچه که هست و نیز تلاش روز افزون ، قدرت مقابله خودش را بالا ببرد .
- هر حرکت و اقدام شجاعانه و آگاهانه شما ، یک حرکت مورد رضای الهی و عبادت است . برای شما جوان های مومن ، حضور در صفوف نیروهای مسلح و ایجاد آمادگی های لازم روز افزون می تواند به عنوان یک عمل عبادی به حساب آید، مراقب باشید این عمل عبادی با نیکوترین شکل صورت گیرد .
- در این سه جهت (دین و اخلاق ، استقلال ، کارایی) بازسازی و حرکت کنید . هر کاری می خواهید بکنید ، این سه رکن اصلی رادر حرکت خودتان در نظر داشته باشید .
- باید پیشرو باشید و حضورتان حضور نظامی پارسا گونه باشد.

۵- فرماندهی نداجا و نیروی دریایی راهبردی

نداجا زیر نظر امیر دریادار دکتر حبیب... سیاری ، متعهد به توسعه ردپای خود در منطقه بوده و دارای یک چشم انداز بلندمدت است. تجدید سازمان دریایی ایران، دیدگاه ژئواستراتژیک فرماندهی معظم کل قوا بوده که نداجا را قادر ساخته که در بیرون از محدودیت های خلیج فارس عمل کند. امیر دریادار سیاری به طور مداوم به دستورات فرماندهی معظم کل قوا مبنی بر گسترش حوزه عمل نیروی دریایی به عنوان پایه و اساس شکوفایی آتی جمهوری اسلامی ایران اشاره می نماید. وی در سال های اخیر با اعزام ناوهای جنگی ایران به خلیج عدن و نیز اعزام تاریخی به بندر لاذقیه سوریه در فوریه ۲۰۱۱ بر اهمیت توسعه حوزه عملیات نیروی دریایی تأکید نموده است.

نداجا هم اکنون در خلیج عدن، کریدور امنیتی و برخی مناطق شمال اقیانوس هند حضور دارد. با این حال، برنامه شامل حضور در ورای سواحل هند و در تنگه حیاتی مالاکا است. این تنگه نقطه ای از یک مثلث است که درصد بالایی از انرژی جهان از طریق آن مبادله و منتقل می شوند. کشتی های موجود در خلیج فارس که عازم کانال سوئز شده و وارد دریای مدیترانه می شوند و آن دسته از کشتی هایی که به سمت شرق حرکت می کنند، همه از این مثلث عبور می کنند. با افزایش حضور در این مثلث، نداجا می تواند به طور کامل بر انتقال انرژی جهان نظارت داشته و در عین حال از منافع ج. ا. ا. حفاظت نماید. در همین حین، در زمان مواجهه با دشمنان و رقبا، جمهوری اسلامی از قدرت بازدارندگی بیشتری در این منطقه برخوردار خواهد بود. حضور نداجا در آب های بین المللی بخشی از خط مشی استراتژیک نیروی دریایی جمهوری اسلامی، برای نشان دادن قدرت ایران در عرصه بین المللی می باشد. جمهوری اسلامی ایران ماهرترین کشور در استفاده از عملیات های نظامی تاکتیکی برای قدرت دادن به پیام های استراتژیک خود است تا بدین ترتیب بر تصمیم گیران سیاسی منطقه ای و غربی تأثیر گذارد. اعزام ناوشکن های نداجا به دریای مدیترانه مثال خوبی می تواند باشد. اگر چه این حرکت می تواند دارای اهداف تاکتیکی مرتبطی باشد، اما در عین حال به پیام استراتژیک گسترده تر در مورد نفوذ فزاینده نداجا در منطقه ای آکنده از بی ثباتی بسیار، مشروعیت می بخشد. اعزام ناوگان به دریای مدیترانه، با انعقاد یک توافقنامه همکاری با سوریه به پایان رسید. امیر دریادار سیاری این توافقنامه را در عرشه ناو جمهوری اسلامی خارک در بندر لاذقیه امضاء نمود. این امر متعاقب مذاکرات دسامبر ۲۰۱۰ میلادی با جیبوتی و نیز همکاری های دریایی با عمان در فوریه ۲۰۱۱ میلادی رخ داد. نداجا با فرماندهی دریادار سیاری توانسته تا بر نقش گسترده تری تمرکز نماید که به منظور گسترش نفوذ ایران و افزایش قدرت منطقه ای این کشور در برابر غربی ها طراحی شده است.

۶- نقش نیروی دریایی ارتش در بازسازی حوزه دریای مکران

نیروی دریایی ارتش، با استقرار در منطقه دوم دریایی ولایت در شهرستان جاسک و استفاده از تمام امکانات، در راستای آبادانی و پیشرفت منطقه می‌کوشد، به گونه‌ای که توسعه و پیشرفت این منطقه بعد از حضور نیروی دریایی ارتش برای همه مشهود است. در اکتبر ۲۰۰۸ میلادی طی مراسمی پایگاه دریایی جدید نیروی دریایی ارتش در جاسک در ۳۰۰ کیلومتری شرق بندرعباس افتتاح گردید. این راهبرد خط دفاعی جدیدی، در صورت لزوم از ورود کشتی دشمن به آب‌های خلیج فارس جلوگیری خواهد کرد. این مسئله بیانگر این حقیقت است که نیروی دریایی ارتش توانسته است حضور خود را در خلیج عدن و اقیانوس‌ها به عنوان اولویت اول جمهوری اسلامی ایران گسترش دهد.

جهان عرصه برخورد بین منافع دولت‌های مختلف و تلاش این دولت‌ها در تأمین و حفظ منافع ملی و نیز افزایش بهره‌برداری ملت خود از ثروت و منزلت جهانی می‌باشد و بی‌شک یکی از مهم‌ترین عوامل دسترسی به این مهم سیاستگذاری و به‌کارگیری ابزارهای قدرت ملی از جمله قدرت نظامی با توجه به موقعیت ژئوپولیتیک آن کشور می‌باشد. در این میان کشورهای که از لحاظ جغرافیایی در کنار آب‌های آزاد جهان واقع شده‌اند از موقعیت بهتری نسبت به سایر کشورها برای حضور و رقابت در بازی قدرت جهانی برخوردار هستند. می‌توان دریافت که کشورها با توجه به موقعیت جغرافیایی دریای مکران از توان بالایی برای ایفای نقش در عرصه جهانی و کسب قدرت و ثروت به شرط حضور فعال در عرصه دریاهای مجاور بهره‌مند است.

دریای مکران موقعیت بی‌همتایی به کشور ما در کنترل این منطقه مهم و حساس داده است. کافی است به ذخایر عظیم نفت و گاز منطقه و همچنین کریدور تجارت شمال و جنوب در دو دهه آینده، منطقه مکران توجه کنیم. علاوه بر این کشورهای حاشیه منطقه یک بازار بزرگ و پر مصرف را تشکیل داده که از لحاظ اقتصادی حائز اهمیت می‌باشد و همچنین آبزیان منطقه نیز منبع غذایی با ارزشی را در اختیار ساکنان منطقه قرار می‌دهد. سواحل کشورمان در دریای مکران دارای ارزشی بی‌همتاست، کنترل خلیج فارس و نیز دستیابی به منطقه اقیانوس هند که خود از راهبردی‌ترین و با اهمیت‌ترین نقاط جهان است از مزیت‌های این منطقه است. باید توجه داشت که در حال حاضر قسمت اعظم تجارت دریایی جهان اعم از کالا یا انرژی از طریق اقیانوس هند صورت می‌پذیرد و با توجه به نقش حیاتی این اقیانوس در کنترل خطوط مواصلاتی دریایی جهان در حال حاضر رقابت زیادی بین قدرت‌های جهانی برای حضور و قدرت‌نمایی در این منطقه وجود دارد. در ضمن باید توجه داشت با توجه به رشد اقتصادی کشورهای این منطقه همانند چین و هند و نیاز روزافزون آن‌ها به انرژی و همچنین افزایش قابل ملاحظه تجارت دریایی روز به روز بر اهمیت این اقیانوس افزوده خواهد شد و حضور و اعمال قدرت در این حوزه توسط هر کشوری، آن را تا سطح یک بازیگر مهم جهانی بالا خواهد کشید.

۷- توسعه عمق دفاعی با نیروی دریایی راهبردی در سواحل دریای مکران

حضور نیروی دریایی راهبردی در سواحل مکران، واضح‌ترین دلیل بر این واقعیت است که افق‌های راهبردی ایران در حال گسترش هستند تا با استفاده از توانمندی‌های خود قدرت دریایی قوی‌تری را برای افزایش نفوذ در آب‌های آزاد ایجاد کند. البته مسئولین جمهوری اسلامی ایران اهمیت استراتژیک را به عنوان شاهراه‌های انتقال انرژی غرب و شرق به خوبی می‌دانند و آگاه هستند که تسلط بر این مناطق یعنی در اختیار گرفتن خطوط انتقال بین‌المللی نفت را شامل می‌شود.

راهبرد دریایی ج.ا.ا به تکامل خود ادامه می‌دهد. در سال‌های پیش رو، تجدید سازمانی که در سال ۲۰۰۷ میلادی آغاز شده است، تولیدات و عملیات‌های نیروی دریایی را به سوی جلو هدایت می‌نماید و چالش‌هایی جدید پیش‌روی سیاستگذاران، رهبری دریایی و نیروهای آمریکایی که در منطقه فعالیت می‌کنند، قرار داده است. نیروی دریایی ارتش به منزله آشکارترین نیروی مقابله با عملیات‌های آمریکا و متحدان آن در سواحل ایران قلمداد می‌شود و آماده‌ترین نیروی نظامی ایران برای انجام عملیات‌های متعارف نظامی است.

ساماندهی پایگاه‌های کنونی و پدید آوردن پایگاه‌های جدید در سواحل دریای مکران یک خط دفاعی برای مقابله با تهدیدات بالقوه، عمدتاً گروه‌های تهاجمی دریایی آمریکا و نیروهای ائتلاف، فراهم آورده تا از ورود آنها به تنگه هرمز و خلیج فارس مانع نمایند. این تجدید سازمان چیزی بیش از توسعه عمق دفاعی ایران در سواحل جنوب‌شرقی بوده و در حقیقت، بازتاب تغییراتی عمده در استراتژی است. این تجدید سازمان چشم‌اندازی ارائه می‌کند که در آن نداجا دارای حوزه عمل منطقه‌ای ورای سواحل ایران بوده و یکی از ستون‌های حیاتی چشم‌انداز اقتصادی ایران است که شکوفایی و برتری منطقه‌ای ایران را منوط به گسترش و توسعه دریایی تعریف می‌کند و در نهایت نفوذ و تأثیرگذاری ایران را تا مثلث دریایی استراتژیک خواهد گسترانید. این مثلث شامل مسیرهای تجاری دریایی است که از باب‌المندهب تا تنگه هرمز و حتی از اقیانوس هند تا تنگه مالاکا گسترده شده است.

ایجاد پایگاههای جدید در سواحل مکران، نداجا را قادر ساخته تا خارج از محدوده خلیج فارس فعالیت نموده و در نتیجه قدرت و نفوذ منطقه‌ای بیشتری در اختیار ایران قرار دهد. این فرآیند همچنین به دفاع دریایی ایران پیچیدگی و عمق می‌بخشد زیرا ایران را قادر می‌سازد که از دریای مکران، در طول ساحل جنوب شرقی یعنی فضایی در آن سوی تنگه هرمز، برای بکارگیری دفاع سطحی، زیرسطحی و موشک‌کروز استفاده نماید. نداجا تلاش‌های خود را دوچندان کرده است تا اطمینان حاصل نمایند که تسلیحات و توانمندی‌های پشتیبانی فرماندهی و کنترل در داخل تولید می‌شوند تا با توجه به وجود تحریم‌ها و شرکای غیرقابل اعتماد، اتکاء به خریدهای خارجی به حداقل برسد.

حوزه دریای مکران به لحاظ جایگاه نظامی می‌تواند در اتخاذ استراتژی‌های بحری، نقش ویژه‌ای برای ایران ایفا نماید و آن را از توان و قابلیت تحرک میان اقیانوسی در فعالیت‌های نظامی برخوردار نماید. ایران از طریق این عرصه‌ی آبی می‌تواند به یک قدرت نظامی با حوزه عملکرد میان اقیانوسی تبدیل شود و از حوضچه‌ی خلیج فارس خود را بیرون بکشد. چرا که حوضچه‌ی خلیج فارس امکان تبدیل شدن ایران به یک قدرت دریایی را فراهم نمی‌کند، ولی دریای مکران و اقیانوس هند چنین امکانی را برای ایران دارا می‌باشند.

ساخت و توسعه تأسیسات نظامی دریایی در بنادر جاسک و چابهار در دریای مکران از یک سو پیامی به آمریکا و دیگر حامیان و متحدان این کشور مبنی بر وجود یک قدرت نوظهور با نیروی راهبردی دریایی دارد و از دیگر سو حاوی پیام صلح و دوستی به کشورهای منطقه است.

۸- برنامه و پیش‌بینی آینده نیروی دریایی راهبردی

برنامه و پیش‌بینی آینده نیروی دریایی ایران این است که بتواند تا سال ۲۰۲۵ قدرت خود را گسترش دهد و به هر کجا که می‌خواهد از تنگه هرمز تا دریایی سرخ و تنگه مالاکا اعزام شود. جمهوری اسلامی ایران در سال‌های اخیر سرمایه‌گذاری‌های بسیاری در حوزه نظامی دریایی کرده است و می‌تواند کشتی‌های بزرگ، موشک و زیردریایی تولید کند. نیروی دریایی ایران یکی از مجهزترین و سازمان‌یافته‌ترین بخش نظامی ایران است و آموزش‌های زیادی هم در این بخش صورت گرفته است. این نیرو حتی از برنامه هسته‌ای کشورمان که به عنوان عامل بازدارنده عمل می‌کند اهمیت بیشتری دارد و یک بخش فعال در سیاست خارجی کشورمان محسوب می‌شود. اعزام ناوگان‌های ایران به سواحل مدیترانه و برنامه‌هایی برای ایجاد پایگاه‌های دائمی در خلیج عدن و اقیانوس اطلس بخشی از برنامه‌های نیروی دریایی ایران در فراسوی محدوده‌های طبیعی نفوذ جمهوری اسلامی ایران است.

در سال ۱۴۰۴ ایران تولید کننده ۷ درصد نفت و ۸ درصد گاز دنیا و جایگاه دوم اوپک را خواهد داشت و ۷ درصد از تقاضای بازار جهانی نفت به ایران تعلق خواهد داشت و ایران سومین تولید کننده گاز در جهان با سهم ۸ تا ۱۰ درصد از تجارت جهانی گاز و فرآورده‌های گازی خواهد بود و همچنین دارای جایگاه اول فناوری نفت و گاز در منطقه می‌باشد. از ویژگی‌های آغاز عصر جدید، افزوده شدن بر میزان پیچیدگی‌ها در روابط و تأثیرگذاری و تأثیرپذیری بازیگران جهانی می‌باشد. بازیگران بین‌المللی، رویکرد سیاسی، نظامی خویش را به رویکرد (اقتصادی، فرهنگی و نظامی) تغییر داده و برای افزایش تأثیر کارکرد این رویکرد جدید به ارتقای رشد اقتصادی در سطح ملی و بین‌المللی بر مبنای رشد سرمایه و انباشت بیشتر آن به نفع خود روی آورده‌اند، تا ضمن تأمین رفاه جوامع خویش بتوانند منابع مالی لازم برای توسعه قدرت نظامی متکی به فناوری‌های نوین را فراهم نمایند. به این ترتیب قدرت‌های صنعتی در عصر دانش، تلاش دارند تا با برتری فناوری، در ابعاد مختلف اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، دفاعی و امنیتی برتری و تسلط خود بر جهان را حفظ نمایند. بازیگران جهان برای تحرک بخشیدن به رونق اقتصادی خود نیازمند منابع انرژی هستند. مطالعات مختلف حاکی از آن است که منابع هیدروکربوری تا سال ۲۰۵۰ همچنان به عنوان عمده‌ترین منابع تأمین انرژی باقی خواهند ماند. بررسی روند منابع هیدروکربوری و توزیع جغرافیایی آن نشان می‌دهد تا اواخر ۲۰۲۵ میلادی تنها ۵ کشور خلیج فارس (ایران - عربستان - کویت - عراق - امارات) با دارا بودن ۶۵ درصد از ذخایر نفت خام شناخته شده جهان به عنوان عمده‌ترین تولید کنندگان نفت در خواهند آمد. این مسئله بر پیچیدگی محیط اقتصاد انرژی در آینده خواهد افزود.

باتوجه به این که بیشتر منابع ایران به دریا محدود می‌شود، جمهوری اسلامی ایران، بدون نیروی دریایی نیرومند و مدرن نمی‌تواند از منافع سیاسی و اقتصادی خود دفاع کند. بدیهی است که نیاز به نیروی دریایی نیرومند دلایل دارد که، مهمترین دلیل در این زمینه، دفاع از منافع اقتصادی کشور است.

نیروی دریایی ارتش تجربه ۸ سال رزمایش واقعی و مدیریت انواع بحران‌های کمرشکن را در پرونده خود دارد و اکنون ما تمام آنچه را که یک نیروی دریایی قدرتمند باید داشته باشد را، خود تأمین می‌کنیم. ساخت انواع موشک‌های ساحل به دریا، هواپیمای بدون سرنشین، ساخت انواع مختلف زیردریایی، ناوچه، قایق‌های تندرو، رزمناوها، قایق‌های پرنده استراتژیک و غیره همه تنها گوشه‌ای از توانایی ساخت تسلیحات صنایع دریایی کشور ماست.

توان نظامی نیروی دریایی جمهوری اسلامی ایران تا سال ۱۴۰۴ به حدی خواهد رسید که تمامی کشورهای به اصطلاح قدرتمند و حاضر در خلیج همیشه فارس و منطقه، بدون درگیری منطقه را ترک و اداره منطقه با رغبت کشورهای آن به ایران واگذار خواهد شد. این روند از این نظر هم حائز اهمیت است که باید، نسبت به برنامه‌ریزی و مدرنیزه کردن ناوگان نظامی نیروی دریایی خود همت گماریم و ایجاد پایگاههای دریایی در حوزه دریای مکران در این راستاست. در این زمینه بسیاری از کشورها برنامه گسترده انقلابی، ساخت ناوها برای نیروی دریایی خود تا سال ۲۰۵۰ را نیز طراحی و به ایجاد نیروی دریایی که، قادر به فعالیت در مناطق ساحلی، دریایی دور و اقیانوسی باشند، توجه زیادی کرده‌اند.

۹- ماموریت جدید نیروی دریایی راهبردی با حضور در آب‌های بین‌المللی

در فرآیند و بازدهی و همچنین تجربه هشت ساله، نیروی دریایی را بر آن داشت تا بار دیگر با به کارگیری ناوگروه جنگی خود، خطوط کشتیرانی ایران را در مرزهای آبی سایر کشورهای دیگر صیانت و حفاظت نماید.

کشور بحران‌زده سومالی و پدیده‌ی دزدان دریایی، کشورها را دوچندان نگران ساخت. ایران نیز که از این امر مستثنی نبود، در طی تعرضات و ربوده شدن چند فروند کشتی تجاری و وارد آمدن خسارات توسط دزدان دریایی، به نیروی دریایی ارتش جمهوری اسلامی ایران مأموریت داده شد تا با حضوری مقتدرانه در خلیج عدن مجدداً در امنیت کاروان‌های تجاری جمهوری اسلامی ایران بکوشد. ماموریت توسط ناوگروه‌های اعزامی ارتش جمهوری اسلامی ایران، از جمله ماموریت‌های منحصر به فرد در میان اقدامات نیروی دریایی ایران پس از انقلاب اسلامی به شمار رفته و می‌توان آنرا نقطه عطفی در تاریخ ماموریت‌های این نیرو به حساب آورد. طی بیش از ۴۰۰۰ مایل مسافت در منطقه دریایی شمال اقیانوس هند، به منظور حفاظت از منافع جمهوری اسلامی ایران و حضور مقتدرانه در محدوده‌ای که نیروهای دریایی کشورهای غربی آنرا جولانگاه و عرصه حضور بلامنازع خود ساخته‌اند، نکته‌ای است که به عنوان افتخار تازه نیروی دریایی جمهوری اسلامی ایران به حساب می‌آید.

البته ماموریت نیروی دریایی ارتش از سال ۱۳۸۶ با رهنمودهای مقام معظم رهبری تغییر کرد. ادامه این تغییر از سال ۱۳۸۷ با حضور در آب‌های عمیق و از سال ۱۳۸۸ با حضور در آب‌های آزاد استمرار یافته است. در این مدت نیز ماموریت ۲۴ ناوگروه در شمال اقیانوس هند، خلیج عدن و دریای سرخ صورت گرفته، اما ماموریت ناوگروه‌های ۱۲ و ۱۴ که به همراه زیردریایی یونس به کانال سوئز و دریای مدیترانه و سپس در بندر لاذقیه سوریه پهلو گرفتند، مهم‌تر ارزیابی می‌شود. ایران برای حضور و تثبیت امنیت منطقه‌ای در امتداد مرزها و سپس مشارکت در امنیت بین‌المللی و ورود به آب‌های آزاد و بین‌المللی نیازمند راهبرد دریایی و نیروی دریایی راهبردی است. در شمال اقیانوس هند از چند سال پیش پدیده دزدان دریایی شیوع یافته است، دزدانی که عموماً مزدوران کشورهای شاخ‌آفریقا بوده و با دزدی و راهزنی، امنیت تجارت دریایی را به مخاطره انداخته‌اند. از این رو یکی دیگر از عمده دلایل حضور نیروی دریایی ایران در آب‌های بین‌المللی، حفاظت و حراست از ناوگان دریایی کشور در مواجهه با دزدان دریایی و برخورد با پدیده تروریسم دریایی است و تأمین این نوع امنیت نیز نیازمند حضور در آب‌های بین‌المللی با داشتن یک نیروی دریایی راهبردی است. برای مقابله با دزدان دریایی تاکنون بیش از یک‌هزار کشتی نفتکش و تجاری توسط نیروی دریایی ایران در اقیانوس هند، خلیج عدن و دریای سرخ اسکورت شده است. این مسئله نیز متأثر از تغییر راهبرد دریایی ایران است.

حضور ایران در آب‌های آزاد تنها به مدیترانه ختم نشد و دیپلماسی دریایی ایران فعال‌تر شد. در همین راستا، کشتی‌های ایرانی از اکتبر ۲۰۱۰، ماموریت‌های مختلفی در اقیانوس هند و دریای سرخ به انجام رسانده‌اند و پرچم جمهوری اسلامی ایران در سواحل عمان، سریلانکا، قطر و عربستان سعودی نیز دیده شده است. حضور ایران در آب‌های مدیترانه برای بسیاری از کشورهای جهان این تحلیل را به همراه داشت که طی سال‌های اخیر، ناوگان دریایی ایران قدرتمندتر شده است.

همه کشورها منافعی را در دریاها دارند و ایران نیز منافعی از جمله برقراری امنیت خطوط کشتیرانی دارد که آن را حق خود می‌داند. هدف از انجام این ماموریت‌ها، حضور در آب‌های آزاد و گشت اطلاعاتی عملیاتی به منظور تأمین خطوط مواصلاتی است. اما حضور در آب‌های اقیانوس اطلس موضوعی است که تحلیل‌های بیشتری را به همراه خود دارد. بسیاری بر این باورند همان‌طور که آمریکا و دیگر کشورهای قدرتمند با اهداف متفاوتی تصمیم به استقرار نیروهای خود در هر نقطه از جهان می‌گیرند، جمهوری اسلامی ایران نیز این حق را برای خود قایل است تا در زمان ضرورت، نیروهای خود را در آب‌های بین‌المللی مستقر کند. مدت‌هاست که جمهوری اسلامی ایران این حق را دنبال می‌کند. حرکت ایران، حرکتی قدرتمندانه و مستقل است که اقتدار نظامی کشور را هر چه بیشتر به اثبات می‌رساند. آنچه ایران به دنبال آن است، اقتدار و دیگری مسائل مربوط به صلح جهانی است. تجهیز و به روزآوری هر چه بیشتر ناوگان ایران تاکنون توانسته است کشورمان را وارد باشگاه قدرت‌های دریایی کند.

با توجه به اراده و روحیه ارزشی و انقلابی نیروهای متخصص در نیروی دریایی ارتش، ورود کشورمان به باشگاه قدرت‌های دریایی برای همه اعضای این باشگاه و دیگر کشورها معنای خاص خود را دارد و به نوبه خود در دلگرمی ملت‌های دوست و مسلمانانی که به دیده تحسین به انقلاب اسلامی می‌نگرند تاثیرگذار است. باید منتظر روزهای آتی ماند و واکنش ملت‌های دوست و دیگر دولت‌ها به حضور پراقتدار ایران در اقیانوس اطلس را به نظاره نشست.

۱۰- تغییر در راهبرد نیروی دریایی ارتش

داشتن نیروی دریایی راهبردی ابتدا نیازمند تجهیزات و لجستیک متناسب برای حضور در آب‌های بین‌المللی است. این بستر طی سال‌های اخیر با ساخت ناوشکن‌های بومی جماران (مستقر در خلیج فارس) که از قابلیت‌های ویژه‌ای نظیر دفاع سطحی و زیرسطحی و تجهیز به موشک‌های هدایت‌شونده دریا به دریا و دریا به هوا، اژدرانداز، توپ پدافندی، ابزار ناوبری الکترونیکی نوین و امکانات جنگ الکترونیک برخوردارند، فراهم شده است. تغییر در راهبرد دریایی و تجهیزات لجستیکی ایران از سال ۱۳۸۹ پس از قطعنامه ۱۹۲۹ شورای امنیت سازمان ملل، که صنایع کشتیرانی ایران را هدف قرار داد صورت گرفته است. به موجب بند ۱۵ این قطعنامه کشورها می‌توانستند، ضمن عدم تأمین سوخت یا ارائه خدمات دیگر به کشتی‌های ایران یا کشتی‌های خارجی حامل محموله‌هایی به مقصد ایران، محموله‌های دریایی ایران را براساس قوانین بین‌المللی در آب‌های آزاد بازرسی، توقیف و حتی در صورت لزوم نابود کنند. چنین مجوزی از سوی شورای امنیت سازمان ملل می‌توانست راهبرد دریایی ایران را با بن‌بست مواجه سازد، اما هشدارهای مقامات ایران در اتخاذ واکنش‌های متقابل، راه را بر توسعه راهبرد دریایی ایران هموار ساخت.

۱۱- امنیت حوزه دریای مکران با نیروی دریایی راهبردی

یکی از موارد پیشرفت در هر کشوری بالاخص در مناطق مرزی وجود ارتش و نیروهای نظامی است. نیروی دریایی ارتش با ایجاد امنیت در مرزهای آبی سواحل مکران و به وجود آوردن شرایط رفاهی باعث به وجود آمدن آبادی و آبادانی، توسعه فرهنگی و بهبود شرایط اقتصادی مرزنشینان این حاشیه است.

امنیت بنیادی‌ترین نیاز هر جامعه و مهمترین عامل دوام زندگی اجتماعی است. هر کشور محیط امنیتی خود را در عرصه جهانی، منطقه‌ای و داخلی بر اساس اهداف، منافع، ارزش‌های اساسی و میزان قدرت آن تعریف می‌نماید. درک صحیح از محیط امنیتی و ساختار قدرت و رقابت موجود در آن بیشترین تأثیر را بر شکل سیاست‌های امنیتی هر کشور دارد.

اساساً در شرح وظایف و مأموریت‌های محوله به نیروی دریایی ارتش، حفاظت از منافع جمهوری اسلامی در دریاهای بین‌المللی به‌عنوان یکی از وظایف اصلی این نیرو مشخص شده است. بدیهی است نیروی دریایی به‌عنوان یک نیروی راهبردی باید از منافع کشور و خطوط مواصلاتی آن که در اقصی نقاط آب‌های دنیا گسترش پیدا کرده، محافظت کند، زیرا دریاهای یکی از بهترین راه‌های اقتصادی در جهان هستند و در حال حاضر کشتی‌های تجاری ایران بایستی از آبراه‌ها و گلوگاه‌های مختلف دنیا عبور کنند. با توجه به این گستره جغرافیای تجاری، تأمین امنیت این جریان که تاکنون در دریاهای دزدخیز با مشکلاتی نیز روبه‌رو شده نیاز به یک نیروی دریایی با توان حضور در آب‌های آزاد و دوردست دارد که همان نیروی دریایی راهبردی است. بنابراین جمهوری اسلامی ایران برای نشان دادن اقتدار کشور و بهره‌برداری از دریاهای جهت توسعه کشور نیاز به یک نیروی دریایی راهبردی دارد. در بعد نظامی نیز یک نیروی دریایی راهبردی عامل مؤثری در انتقال صحنه جنگ به سرزمین دشمن و همچنین عامل نفوذ و قدرت منطقه‌ای و فرماندهی است و اثر تعیین‌کننده‌ای در سرنوشت یک جنگ دارد و از سوی دیگر خنثی‌کننده مزیت‌های دشمن و در زمان صلح نیز بازدارنده در برابر تهدیدات و دارای نقش مؤثر در خنثی کردن و مقابله با تهدید است.

۱۲- نگاه دوراندیشانه نیروی دریایی راهبردی به خلیج عدن و باب المندب

امنیت پایدار در گرو داشتن کنترل بر حوزه گسترده‌ای از آب‌های منطقه‌ای و بین‌المللی است. نیروی دریایی راهبردی با نگاه دوراندیشانه به خلیج عدن و باب المندب، حضور بیشتر در این مناطق در دستور کار خود قرار داده است. در این مورد حتی پای خود را به دریای سرخ و بازدید از بنادر سودان هم کشاند. این مهم پس از شروع دزدی‌های دریایی توسط شهروندان گرسنه سومالیایی، شکل دیگری به خود گرفت. از دو سال قبل به این سمت روزی نبوده که نیروی دریایی کشورمان در آب‌های خلیج عدن و اقیانوس هند حضور نداشته باشد. شاید برای بسیاری این باور به وجود آمده باشد که ایران به تنگه هرمز به چشم منطقه راهبردی و حوزه امنیتی خود نگاه می‌کند و مرزهای کنترلی ایران از مدار ۲۰ درجه آغاز می‌شود، اما واقعیت این است تنگه هرمز در استراتژی کلان ایران به عنوان حوزه داخلی و سرزمینی نگریسته می‌شود و این حوزه دریای مکران و فراتر از آن تنگه باب المندب و خلیج عدن است که ابتدای مرزهای امنیتی ایران را تشکیل می‌دهد.

البته عبور ناوگان دریایی ایران از کانال سوئز و باز شدن پای ایران به دریای مدیترانه به همراه عزم ارتش ایران جهت حضور در اقیانوس اطلس ابعاد دیگر این استراتژی جهت توسعه دایره امنیت ملی ایران را نشان می‌دهد ولی در حال حاضر و با توجه به امکانات دریایی کشور، این تنگه باب المندب است که برای ایران جنبه حیاتی داشته و دارد. در این صورت باید تاکید کرد که پاسخ ایران به هرگونه ماجراجویی نظامی علیه خود نه در تنگه هرمز خواهد بود و نه در دریای مکران(عمان)، بلکه ایران می‌تواند این پاسخ را به باب المندب داده و این حق هر کشوری است که برای دفاع از منافع راهبردی خود حوزه امنیت ملی خود را تعریف کند. بنابراین بر خلاف باور رایج، ایران دفاع از منافع خود را نه در آب‌های خلیج فارس، که با توجه به قدرت و دایره اطلاعاتی ایران به عنوان آب‌های سرزمینی کشور به شمار می‌رود، شروع خواهد کرد، بلکه این دفاع از خلیج عدن و تنگه باب المندب شروع خواهد شد و این نقطه قوت نظامی و راهبری ایران به شمار می‌رود. به طور میانگین روزانه ۵۷ کشتی بزرگ از این تنگه به عبور می‌کنند که به صورت میانگین سالانه رقم ۲۴ هزار کشتی به دست می‌آید که حجم بزرگی از تجارت جهان را به خود اختصاص می‌دهد.

۱۳- اهمیت حوزه دریای مکران در اقتصاد جهانی شرق و غرب

امروزه با افزایش جمعیت و بهره برداری زیاد از خشکی‌ها، انسان طبیعتاً در جستجوی عناصر، غذا، محیط زیست به دریا روی خواهد آورد و به همین لحاظ دانش دریایی و شناخت بهتر از یک چنین اکوسیستمی و نیز نحوه عملکرد اجزای تشکیل دهنده آن و شناخت ارتباطات متقابل این اجزاء بدون شک ما را در بهره برداری صحیح تر و اقتصادی‌تر از این منبع خدادادی یاری خواهد کرد. ایران با داشتن سواحل طولانی در دریای مکران و وجود تنگه استراتژیک هرمز در دهانه خلیج فارس بعنوان حلقه ارزشمند ارتباط خاور دور و اقیانوس هند به روسیه و اروپا از اهمیت ویژه‌ای در اقتصاد جهانی برخوردار است. حضور فعال و موثر جمهوری اسلامی جهت حفظ منافع کشور در عرصه‌های مختلف مرتبط با دریای مکران و فراهم نمودن امکانات در جهت بهره برداری پایدار منوط به شناخت جامع و کافی از این منطقه در زمینه‌های مختلف است.

یکی از این مناطق مهم بندر چابهار در جنوب ایران و در بخش شمالی دریای مکران است. این بندر به دلیل موقعیت استراتژیک و ژئوپلیتیک و دستیابی به آب‌های آزاد بین‌المللی جایگاه ویژه‌ای در مبادلات ایران با سایر کشورهای منطقه دارد.

از سوی دیگر این بندر به علت نزدیکی به کشورهای همجوار افغانستان، پاکستان و آسیای میانه، در آینده‌ای نزدیک با اتصال به شبکه ریلی کشور اهمیت ویژه‌ای در ترانزیت کالا به این کشورها خواهد داشت.

چابهار به عنوان تنها بندر اقیانوسی ایران، یکی از نقاط کلیدی در حاشیه دریا مکران و در کریدور شمال، جنوب نقش مؤثری ایفا خواهد کرد.

این بندر در جنوب استان سیستان و بلوچستان واقع شده و به دلیل استقرار در حاشیه دریای مکران از دیر باز کانون داد و ستد و تجارت و دریانوردی بوده است.

وجود فعالیت‌های دریایی در بنادر دریای مکران در اواخر قرن ۱۹ و اوایل قرن بیستم، نشانه این است که بنادر مزبور در داد و ستد کالاهای تولیدی و مورد نیاز بخش شرقی کشور و مبادله با بنادر پاکستان و هندوستان فعال بوده‌اند.

خلیج چابهار با بریدگی طبیعی در حاشیه دریای عمان بوده و در مقایسه با دیگر مناطق ساحلی و جنوب ایران دارای موقعیت ممتازی در امر کشتیرانی و حمل‌ونقل دریایی است.

وجود آب‌های عمیق، شرایط مناسبی را برای پهلوگیری کشتی‌های بزرگ در این منطقه و ایجاد تأسیسات بندری با هزینه مناسب و صرفه اقتصادی فراهم کرده است.

چابهار به عنوان مهم‌ترین بندر تجاری در حوزه دریای مکران از نظر سیاست و استراتژیکی ملی در مواقع جنگ و بحران‌های منطقه مجزا و نقطه‌ای کلیدی برای تنفس اقتصادی بازرگانی خارجی کشور و ضمانتی برای گردش کار صنایع و فعالیت‌های اقتصادی آن به شمار می‌رود، قرار گرفتن چابهار در یک خلیج موقعیت بندری ایده‌آلی را برای توسعه فیزیکی آینده به آن می‌دهد که بسیاری از بنادر دنیا دارای این مزیت نیستند.

افزایش سرعت، تجارت و ترانزیت، افزایش حجم مبادلات کالا بین هند و پاکستان و کشورهای حاشیه اقیانوس هند با کشورهای روسیه و آسیای مرکزی، بهبود وضع معیشتی مردم شرق کشور از جمله استان سیستان و بلوچستان و شهر چابهار از طریق ترانزیت کالا به کشورهای همسایه (افغانستان، پاکستان، آسیای میانه) از طریق اتصال محور ترانزیتی شرق-غرب، همکاری مناسب بنادر ایرانی با بنادر روسیه و قزاقستان، که بستر مناسبی را برای همکاری بیشتر این کشور فراهم می‌کند و به طور کلی کاهش تنش بین کشورهای حاشیه خزر، درآمد بالغ بر یک میلیارد دلار در سال برای کشورهای

که در مسیر این راهگذر هستند، کاهش وابستگی تجارت و ترانزیت کشورهای جنوبی آسیا به کانال سوئز و ایجاد قطب های خارجی جدید تولیدی، اقتصادی و تجاری در منطقه از مهم ترین مزایای کریدورهای منتهی به بنادر حوزه دریای مکران است.

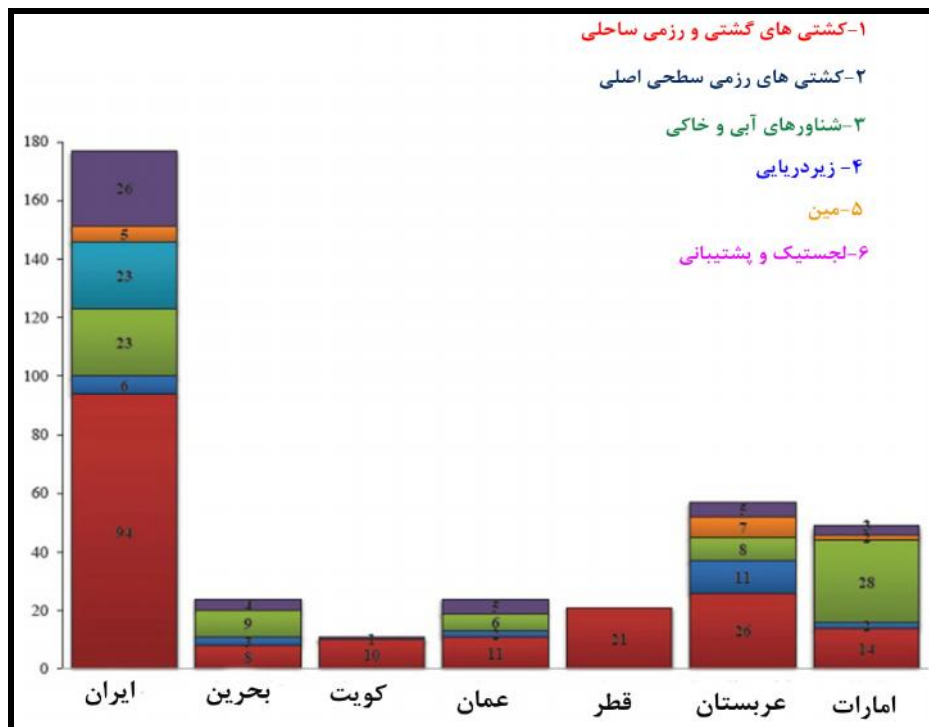
۱۴- نقش تنگه هرمز در حوزه دریای مکران برای اقتصاد جهانی

عبور و مرور کشتی های تجاری در دریاها از قرن ها پیش، اهمیت خاص و ویژه ای داشته و امروزه بیش از ۶۰۰ میلیون کانتینری که برای بار جابه جا می شود، حمل ۹۰ درصد آن از طریق دریا صورت می گیرد. در این میان، چندین آبراه توانسته اند نقش خود را پررنگ تر کرده و اهمیت سوق الجیشی را برای خود و منطقه به ارمغان آورند که تنگه هرمز نیز از آن جمله است. تنگه هرمز کانال دریایی که کشورهای بزرگ و انرژی خیز خلیج فارس را به آب های آزاد جهان وصل می کند. اهمیت تاریخی این تنگه به حدی بالاست که پیش از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، بسیاری از کشورهای استعمارگر جهان بر سر حضور در این تنگه و در دست گرفتن قدرت این شاهراه با یکدیگر رقابت می کردند. این قدرت طلبی ها با کشف نفت و تحول بزرگ در اقتصاد جهان به اوج خود رسید که پیروزی انقلاب اسلامی ایران نقطه پایانی بر زیاده طلبی این قدرت ها بود. اگر جهان را به بدن انسان تشبیه کنیم، خون حیات را باید نفت بدانیم و تنگه هرمز را قلب این بدن به حساب آوریم.

تنگه هرمز اهمیت راهبردی زیادی برای اقتصاد جهانی به خصوص بازار انرژی دارد و بیش از یک ششم نفت مورد نیاز جهان از طریق این تنگه ترانزیت می شود. تنگه هرمز دومین تنگه بین المللی پر تردد دنیا است. هر روز حدود ۱۷ میلیون بشکه نفت خام که معادل ۴۰ درصد کل نفت حمل شده توسط نفت کش ها و نزدیک به ۲۵ درصد کل عرضه جهانی نفت است، از این آبراه عبور می کند. حدود ۶۸ درصد ذخایر شناخته شده نفت و گاز دنیا در خلیج فارس قرار دارد و امنیت تنگه هرمز نقش کلیدی در تأمین بی وقفه انرژی دنیا دارد.

بخش مهمی از نفت ترانزیت شده از طریق تنگه هرمز در بازارهای آسیا، اروپای غربی و آمریکا مصرف می شود. بیش از ۷۵ درصد نفت وارداتی ژاپن و ۵۰ درصد نفت وارداتی چین نیز از طریق این تنگه ترانزیت می شود. بر این اساس، روزانه دو میلیون بشکه فراورده های نفتی و گاز مایع نیز از این تنگه عبور می کند. در میان کشورهای حاشیه خلیج فارس، عربستان تنها بخشی از نفت خود را از این تنگه عبور می دهد اما بقیه کشورها از جمله عراق، کویت، بحرین، قطر و امارات، راهی به جز صادرات نفت از این تنگه ندارند. بیش از ۸۸ درصد نفت عربستان سعودی، ۹۸ درصد نفت عراق، ۹۹ درصد نفت امارات متحده عربی و ۱۰۰ درصد نفت کشورهای کویت و قطر و در مجموع به طور متوسط ۹۷ درصد نفت این کشورها از تنگه هرمز عبور می کند. اگر تنگه هرمز توسط نیروی دریایی راهبردی بسته شود، اقتصاد جهانی سقوط خواهد کرد.

همچنین ایران به دلایل زیر، از موقعیت برتری در مقایسه با سایر کشورهای منطقه در تنگه هرمز برخوردار است از جمله: وسعت زیاد، جمعیت زیاد همراه با مشخصه های فرهنگی و اعتقادی قدرت آفرین، طول ساحل بیشتر، نیروی نظامی کمی و کیفی، ذخایر نفت و گاز زیاد، فضا و توپوگرافی مناسب در ساحل شمالی تنگه برای گسترش و آرایش نیروهای نظامی مدافع تنگه، داشتن نیروی دریایی دائمی همراه با وحدت فرماندهی در شرق و غرب و داخل تنگه، برخورداری از جزایر استراتژیکی که تکیه گاه های دفاعی تنگه هستند، نظیر قشم، هنگام، لارک، هرمز، ابوموسی و تنبها، برخورداری از توانایی های فنی و تکنیکی برای کنترل تنگه. به دلایل امنیتی، تنگه هرمز از جایگاه بسیار ویژه ای برای ایران برخوردار است. بدین معنی که دهلیز جنوبی فلات ایران را به تنگه باز می شود. کنترل تنگه از سوی ایران، به معنی حفظ پیوستگی سواحل جنوبی ایران و حفظ ارتباط واحدهای دریایی ایران است و حفظ این وحدت، امکان دفاع از سواحل جنوبی ایران را راحت تر می کند و حذف تنگه از قلمرو ایران، به معنی ایجاد محدودیت در خشکی و دسترسی به دریای بسته خلیج فارس است، ضمن این که ایجاد وحدت فرماندهی بین پایگاه ها و واحدهای سواحل دریای عمان و خلیج فارس را با مشکل روبه رو خواهد کرد. بنابراین تنگه هرمز، در برخورداری ایران از نیروی دریایی و افزایش قدرت آن نقشی اساسی دارد.



نمودار مقایسه قدرت دریایی ج.ا.ا با کشورهای دریای مکران و خلیج فارس

۱۵- توصیه ها

- صنعت های لجنسازي ، رودوزي های سنتي ، توربافي و گرگوربافي، حصيربافي، آهنگري سنتي و... که در گذشته در مناطق سواحل مکران بسيار رونق و رواج داشته است مجددا احياء و بازسازي گردند.
- نامگذاري سال ۹۱ به عنوان سال توليد ملي، حمايت از کار و سرمايه ايراني از سوي مقام معظم رهبري، در اين سال، عزم ملي براي حمايت از بازسازي سواحل مکران شکل بگيرد.
- اتصال کشورهای آسيای مرکزي و قفقاز از طريق راه آهن به کشورهای حوزه دريای مکران و تسهيل و توسعه حمل و نقل بين المللی و ترانزيت کالا بدون هيچ گونه محدوديت گمرکي انجام پذيرد .
- امنيت آبهای منطقه به وسيله کشورهای منطقه تامين و جمهوری اسلامی ايران به عنوان يک قدرت نظامي، توانايي انجام اين کار را دارد و می بايست تلاش کند.
- مسئولين توجه خود به زيرساخت های قدرت دریایی به عنوان بخش مهم قدرت جمهوری اسلامی وارد شوند.
- باتوجه به حضور قدرت های بزرگ در درياها، بر مسئولين و دست اندرکاران نظامي و سياسی است که ضمن تقويت ساير نيروها، نيروی دریایی را در اولويت قرار دهند.
- تغيير ديد کامل به صنايع دریایی در داخل کشور ، به نحوی که اين صنايع بتوانند نيازمندي های ناوگان های نظامي و غير نظامي کشور را مطابق با استانداردهای روز دنيا تأمين کنند.
- تدوين سند راهبردی توسعه آموزش عالی کشور در حوزه علوم و فنون دریایی و اقيانوسي.
- بالا بردن جایگاه دريا و اقيانوس در تمام سطوح تصميم گيري های کلان و راهبردی کشور.
- راه اندازي خط کشتيراني مسافري در منطقه گواتر چابهار با کشورهای همجوار.

۱۶- نتیجه گیری و ارزیابی

اکنون که جمهوری اسلامی ایران به یک قدرت منطقه‌ای تبدیل شده، است باید بال‌های این قدرت را به صورت هم‌تراز خویش گسترش دهد. عبور ناوگان‌های نظامی یک کشور از محدوده جغرافیای ملی و ورود آنان به آب‌های فراملی اگر صرفاً نمادین نباشد، مفهوم قدرت منطقه‌ای را به خودی خود منتقل می‌کند و رفتار سیاسی، نظامی رقبای منطقه‌ای و ابرقدرت‌های معارض فرامنطقه‌ای را به صورت اتوماتیک تنظیم می‌نماید. حضور در دریای سرخ یا سواحل کشورهای دوست، همچون سودان و سوریه می‌تواند به امری دائمی، هدفمند و پیام‌رسان تبدیل شود و بخشی از مانور قدرت انقلاب اسلامی را در خود جای دهد. قدرت دریایی همانند قیچی دولبه است، یعنی صرفاً بازدارنده نیست که در سواحل کشور مستقر و آماده روز مبادا باشد، بلکه عبور از آبراه‌های بین‌المللی و انجام مانورهای نظامی با کشورهای همسور در آب‌های فراملی می‌تواند آمادگی هجومی را نیز به تصویر بکشد. البته منظور از قدرت دریایی صرفاً در حوزه نظامی تعریف نمی‌شود، سرمایه‌گذاری در دریا به عنوان راه عبور و محل تولید ثروت در ابعاد مختلف زیر آب و سطح آب می‌تواند مدنظر قرار گیرد.

علاوه بر این رشد و توسعه اقتصادی و سیاسی ایران و افزایش مبادلات آن و نیز چالش‌های جهانی همانند حفاظت از محیط‌زیست در عرصه دریاها، قاچاق مواد مخدر و پدیده دزدان دریایی این نیاز را به وجود آورده است که کشور ما در عرصه دریایی در محدوده بسیار پهناورتری نسبت به قبل عمل کند تا علاوه بر حفاظت از منافع خود با مشارکت در مواجهه و حل مشکلات، توانایی و ظرفیت خود را در ایفای نقش به‌عنوان یک قدرت جهانی و مسئول به نمایش گذاشته و بر وجهه ملی، اقتدار و عزت خود در مجامع بین‌المللی بیفزاید. البته باید توجه داشت که فعالیت در عرصه‌ای به این گستردگی، در چنین فاصله‌ای نسبت به سرزمین اصلی، با شرایط هوایی کاملاً متفاوت و سهمگین و رقیبانی قدرتمند نیاز به تغییر کامل دید مسئولین و نحوه و میزان پشتیبانی از قدرت دریایی کشور، به‌خصوص بخش نظامی آن دارد و حضور و عمل در چنین عرصه‌ای مستلزم در اختیار داشتن و به‌کارگیری ناوگان قدرتمند و سنگین سطحی، زیرسطحی و یگان‌های هوایی با تکنولوژی روز، افزایش سطح همکاری‌های سیاسی و نظامی با کشورهای واقع در سواحل دریای مکران و اقیانوس هند و استفاده از تسهیلات بندری آنها جهت یگان‌های نظامی و نیز تغییر دید کامل نسبت به صنایع دریایی در داخل کشور است، به‌نحوی که این صنایع بتوانند نیازمندی‌های ناوگان‌های نظامی و غیرنظامی کشور را مطابق با استانداردهای روز دنیا تأمین کنند.

در چنین شرایطی است که می‌توان با تغییر قدرت نظامی دریایی کشور از یک قدرت منطقه‌ای به یک قدرت فرامنطقه‌ای و راهبردی از منافع کشور در سطح جهان دفاع کرد، خطوط مواصلاتی و تدارکاتی کشور را همیشه باز و از تهدید دشمن مصون داشت و از تأمین نیازمندی‌های کشور در تمام شرایط اطمینان یافت و همچنین با تهدیدات دشمن در فواصل دور مقابله کرد و با ایجاد توان تهدید متقابل منافع دشمنان در سطح اقیانوس‌ها و دریاها، از یک بازدارندگی مطمئن برای کشور برخوردار شد.

اهمیت راهبردی دریای مکران در حوزه‌های عمده ژئوپلیتیکی نیز محتوای تأمین قدرت در منطقه را تعریف می‌کند. ایران با موقعیت ممتاز در منطقه و نقش بلقوه‌ای در عرصه‌های جهانی دارد. اما برای تبدیل به فعلیت این مهم ضروریست که رویکردی کنشگر در سواحل دریای مکران داشت. هر چقدر که عمق سیاسی در حاشیه جنوبی پیدا نماییم امکان استراتژیک‌مان افزایش می‌یابد. تفوق بر دریای مکران نقش آفرینی جهان را برای ما در پی خواهد داشت. برتری در ژئواستراتژیک مناقشات فرا ملی را به آنسوی مرزهای غیر همجوار سوق خواهد داد در واقع حضور در دریای مکران استراتژی قدرت را در منازعات جهانی به نفع ایران تغییر خواهد داد.

با توجه به اهمیت حیاتی دریای مکران برای اقتصاد جهانی و ارتباط آن با امنیت ملی ایران و آسیب‌پذیری این حوزه، راهبرد دریایی دارای اهمیت ویژه‌ای است. همچنین حضور دشمنان جمهوری اسلامی ایران در این منطقه است که تدوین استراتژی نظامی مبتنی بر تقویت قدرت دریایی بر شقوق دیگر رجحان می‌یابد و بر مسئولین و دست‌اندرکاران نظامی و سیاسی است که ضمن تقویت سایر نیروها، نیروی دریایی را در اولویت قرار دهند.

منابع و ماخذ

- ۱- کتاب نیروی دریایی ارتش جمهوری اسلامی ایران از دیدگاه رسانه- تدوین نائسروان عرفان آهنگری
- ۲- سایت کانون پژوهش‌های دریای پارس
- ۳- کتاب مجموعه فرمایشات فرماندهی معظم کل قوا در مورد نیروی دریایی- چاپ مرکز پژوهش‌های نظری نداجا